

« نامه ماهانه ادبی ، علمی ، تاریخی و اجتماعی »

شماره - هشتم

آبان ماه ۱۳۴۴

اوستا

دوره - سی و چهارم

شماره - ۸

تاسیس بهمن ماه - ۱۳۹۸ شمسی

(مؤسس : استاد سخن مرحوم وحید دستگردی)

(صاحب امتیاز و نگارنده : محمود وحید زاده دستگردی - نسیم)

بقلم : آقای م . اورنگ

اویستا یا اوستا

چنانکه خوانندگان ارجمند میدانند ، هر کدام از کتابهای دینی نام ویژه‌ای دارد که با فرهنگ و زبان همان کتابها سازگار است. مانند تورا و انجیل و قرآن که هر کدام از فرهنگ و ابسته بهمان کتاب سرچشمه گرفته و بر همان پایه نام گذاری شده است .

بنابر آنچه گفته شد، باید کتاب آئین زرتشت نیز نام ویژه‌ای داشته باشد که آن نام با فرهنگ و زبان آن کتاب سازش کند .

نامهایی که برای کتاب دینی زرتشت در نوشته ها و گفت و گوها یاد شده بدینسان است :

اویستا ، آوستا ، اوستا ، اویستاك ، ویستا ، وستا ، ابستا ، اوپستا .

همانجوریکه میدانیم ، از میان این نامها ، واژه اوستا بیش از همه در نوشته‌ها

و گفتگوها بکار می‌رود. من هم تاچندی پیش همین واژه را بکار می‌بردیم. ولی با بررسی و موشکافی‌هایی که کردم، دیدم این واژه به معنی بی‌دانشی است و شایسته نام کتاب دانشی زرتشت نمیباشد.

چون در فرهنگ باستانی خوب جست‌وجو کردم، نیک دریافتم که نام پیشین این کتاب، آویستا بوده و با گذشت زمان به بیکرة اوستا درآمده است.

واژه زیبای آویستا که در خود سرودهای دینی‌ش زرتشت ریشه و پیشینه دارد، بمعنی دانستنی و همراه با دانش است و در خور نام کتاب باستانی ایرانی می باشد.

پس از این بررسیها، من واژه آویستا را در نوشته‌های خود برای این کتاب دانشی بکار بردم و داوری درباره بررسی‌هایم رانیز به خوانندگان زرف بین‌واگذار کردم.

در شماره هفتم مجله ادب ارمنستان وابسته بمهرماه امسال دیدم که دانشمند گرامی موبد فیروز آذرکشسب در این باره سخنانی نوشته و واژه اوستا را برابر گفته برخی از نویسندگان کشورهای دیگر درست دانسته است.

همیشه گفته‌ام و در اینجا نیز آشکارا میگویم که موبد فیروز آذرکشسب از دانشمندان پرمایه است.

آدم بلند منش و پاکدل و خوشبین و فروتن است. چندین زبان میدانند که از آنهاست آویستا و سانسکریت و پهلوی و انگلیسی و گجراتی. من خودم نیز همیشه از بخشش دانش ایشان برخوردار شده‌ام و سپاسگزارشان هستم.

اما چون اینجا پای فرهنگ میهن‌درمیان است و باید کوشید که آلودگیها و لغزشها را از این فرهنگ باستانی بیرون کرد و پژوهندگان را از دودلی و سرگردانی رهایی داد، از این رو بایسته میدانم رای خودم را در برابر نوشته‌های این دوست ارجمند دانشمند بگویم و باز هم داوری را به دانشمندان باریک بین واگذار کنم.

درباره واژه اوستا برابر گفته پروفیسور مولر چنین یاد کرده‌اند:

اوستا از دو جزء او + ستا $avo + Sta$ تشکیل شده و بمعنی « آنچه مقرر و معین شده » یا « آنچه محرز و مسلم گشته » یا بعبارت ساده تر « متن اصلی کتاب » می باشد .

باید آشکارا بگویم که گفته های پروفیسور مولر هیچگونه پایه ای ندارد و آنچه گفته و نوشته ، زائیده اندیشه خودش میباشد .

زیرا همانگونه که گفتیم ، این چنین واژه ای در سرودهای دینی زرتشت پیشینه ندارد تا اینکه آنرا از دو تیکه او + ستا ، بدانیم و برایش معنی هائی بسازیم .

اینک فرهنگ آویستا و سرود های دینی آویستا در دست است . هر کس بخواهد میتواند نگاه کند و بیگمان باشد از اینکه چنین چیز هائی در آنجا پیدا نمی شود .

باز هم در باره این واژه افزوده اند که دکتر هاوک واژه اوستا را از دو جزء :

او + ویستا $a + vista$ گرفته و چنین ترجمه کرده است « آنچه دانسته شده و یا اعلام و الهام گردیده - این دانشمند مفهوم واژه اوستا را با ودا (Veda) کتاب مذهبی هندوها یکی میداند » .

گفته های دکتر هاوک نیز پایه درستی ندارد و از دوراه درخور خورده گیری است . نخست اینکه برابر بخش بندی خودشان که اوستا را ازدو تیکه (او + ویستا $a + vista$) دانسته اند ، معنی آن بیداشی و نادانستی خواهد بود . زیرا بخش نخست واژه که (ا) یعنی الف زبردار باشد ، برابر خود فرهنگ باستانی ، برای نیست سازی و بمعنی « نه - نا - نی » میباشد .

درتازی آنرا حرف نفی میگویند .

تیکه دوم هم که ویستا باشد ، برابر خود فرهنگ کهن بمعنی دانستی یا دانشی است .

بنابر آنچه گفته شد ، بخوبی روشن است که واژه اوستا بمعنی بی دانشی و نادانستی خواهد بود و معنی های (دانسته شده و اعلام و الهام شده) از آن بیرون نخواهد آمد .

دوم اینکه واژه اوستا با واژه : ودا (Veda) یکسان نیست . زیرا واژه (ودا) بمعنی دانش و دانستی است .

اما واژه اوستا بمعنی بی دانشی و نادانستی است . واژه (ودا) برابر است با واژه ویستا که بمعنی دانش و دانستی است . از ریشه (وید) بمعنی دانستن است . چون نیک باریک شویم می بینیم واژه (وید) در آویستا با واژه (ودا) هم ریشه و هماهنگ است .

خوبست این را هم یاد آور شوم که واژه اوستا برابر است با واژه (اویدا = ا + ویدا) که هر دو به یک معنی است .

تا اینجا گفتگو درباره داورى پروفیسور مولر و دیگرهاوک بود . اما خود موبد فیروز آذر گشسب در باره تیکه نخست واژه اوستا که الف زبرداری باشد ، یادآوری کرده نوشته اند :

این واژه (یعنی الف زبرداری) همیشه در اوستا معنی نفی را نمیدهد . بلکه گاهی برای تأکید است و در اینجا باید بهمان معنی تأکید گرفته شود .

در دنبال این سخنان واژه هائی از فارسی گواه آورده اند .

مانند افروزان و اویره (ویره) و دیگر چیزها .

در باره این داورى و این رایزنى هم باید از روی خود فرهنگ باستانی پاسخ بدهیم . برابر خود فرهنگ باستانی الف زبرداری که در آغاز واژه های آزاد بیاید ، همیشه برای نیسته و نیست سازی است و در هیچ جا برای استوار نشان دادن معنی واژه یعنی برای تأکید نیامده . مانند : اگوشته (ا + گوشته) بمعنی شنیده نشده - امرتات

(۱ + مرتآت = Ameretat) به معنی بی‌مرگی .

روی‌بهرفته الف زبردار همیشه در آغاز واژه برای نیسته و نیست سازی است .
مگر اینکه از خود واژه باشد .

مانند اهورا که الف زبردار در اینجا از خود واژه است و نمی‌تواند از آن جدا باشد .

اما واژه‌های فارسی که از آنها یاد کرده‌اند، با واژه اوستا هیچگونه سازشی ندارند برای نمونه دو واژه افروزان و اویژه را در اینجا به یاد می‌آوریم . واژه افروزان ساده شده یا کوتاه شده واژه (اف فروزان) است که از دو تیکه (اف + فروزان) پیوند یافته . اف در اینجا برای استوار ساختن معنی واژه یا برای تأکید است که در سر فروزان آمده .

در آویستا هم نمونه‌های زیادی از اینگونه واژه‌ها پیدا میشود . مانند :
ائی‌وی‌گم (ائی‌وی + گم = Aivi-gam یعنی آمدن . تیکه نخست برابر است با (اف) در فارسی که در سرواژه (گم Gam) آمده است .
واژه (گم Gam) بتنهائی هم همان معنی را میدهد .

اما واژه اویژه که بمعنی بی‌دغل و بی‌گناه و ناآمیخته و ناآلوده میباشد و روی‌بهرفته سادگی و پاکی را میرساند ، مانند واژه اوستا از دو تیکه (۱ + ویژه) پیوند یافته در آویستا به پیکره (اویژه = Avaeza) آمده . از دو تیکه (۱ + ویژه Vaeza) - تیکه نخست برای نیسته و نیست سازی است . تیکه دوم نیز بمعنی آشغال و زباله و چیز پست و بی‌بها میباشد .

در اینجا باید یادآور شویم که واژه ویژه در فارسی، بجز ویژه‌ئی است که در پایان ویژه آمده و از ریشه (ویژه Vaeza) میباشد. بلکه این واژه با واژه آویستائی (ویژه Vaeja) که بمعنی تخم ودانه و مایه و بیخ است ، هماهنگی و سازش دارد و هر دو یک چیز را میرساند .